

## تعلیم و تربیت

### پیشنهاد آسان و مفید قابل ملاحظه وزارت علوم

بقلم آقای جمالزاده

خیراً در برلین در منزل یکی از دوستان بودم پسر هشت نه ساله او از مدرسه برگشته نمره‌هایی را که مدرسه باو داده و در کتابچه چایی مخصوصی ثبت شده بود پدر خود ارائه داد که برتیبی که مقرر و تکلیف پدر یا ولی طفل است باید هر هفته دفتر مزبور را پس از ملاحظه نمره‌ها امضا نماید. در میان نمره‌ها علاوه بر نمره اخلاق (رفقار) و کوشش نمره دیگری دیدم که گویا در مدارس ایران معمول نیست و چون دارای اهمیت بسیار است در اینجا مختصراً بذکر آن میپردازم که در صورتیکه وزارت علوم مفید و مقتضی بدانند مقرر فرمایند در مدارس ایران هم معمول و مرسوم گردد.

نمره مزبور که بعقیده قاصر نگارنده کمال اهمیت را دارد و امید و آرزو دارم که در مدارس ایران هم معمول گردد نمره «نظم و ترتیب» (۱) است که راجع میباشد بمراقبت و دقت شاگرد نه در کار درس بلکه در امر نظم و ترتیب از هر حیث و از هر لحاظ. مثلاً معلمین مکلفند بینند شاگرد هر روز دستمال پاکیزه در جیب دارد که دماغش را با دست نکیرد یا هر

(۱) آلمانی "Ordnung" و فرانسوی "Ordre".

روز موهایش را شانه کرده ناخنهایش را چیده، درست سر وقت حاضر شده کتابها و دفترهایش پاک و پاکیزه هستند مدادش خوب تراشیده شده و سر آنرا شاگرد با دندان نجویده، دوات و قلمش را فراموش نکرده، با بند آرسی باز داخل اطاق درس نشده، آب خوش کن خود را پاره پاره لای دفتر نگذاشته، در نوشتن تکالیف خود بعضی سطرها را روی خطوط کاغذ و بعضی دیگر را بین سطور توشته خلاصه اینکه در کار مدرسه و لباس و رفت و آمد و نشست و برخاست بکلی مراعات نظم و ترتیب زمانی و مکانی و پاکیزگی را نموده است یا نه. مراعات این ترتیب و نظم تربیت اطفال بعقیده اینجانب اهمیتش شاید از خود درس و تعلیم زیادتیر باشد و در مملکت آلمان این طریقه و رفتار آثار همان تربیت نظامی (دیسپلین) است که از پرتو آن این مملکت جوان اینهمه ترقیات محیرالعقول نموده است. علمای علم تربیت آلمان مخصوصاً سعی کرده اند که اطفال آلمانی را همان از خرد سالی بنظم و ترتیب عادت بدهند و در این امر بهیچ وجه مراعات تمایلات ذاتی و طبیعی طفل را ننموده اند مثلاً طفل دوست میدارد صبح را دیر از خواب بیدار شود، در سرمای زمستان شستن دست و رورا تا حد امکان مختصر نموده و طوری سرش را بهم بیاورد، چندان زود بمدرسه حاضر نشود و مثلاً همان وقتی که معلم وارد اوطاق درس میشود او هم وارد شود. و هکذا در موارد دیگر همیشه راحتی و تنبلی را بزحمت و کار ترجیح میدهد ولی علمای آلمان مخصوصاً ساعت رفتن بمدرسه را صبح خیلی زود قرار داده اند چنانکه در زمستان وقتیکه هنوز هوا بکلی تاریک است طفل مجبور میشود بزحمت هر چه تمامتر از بستر گرم و نرم بیرون آمده و سرورورا درست شست و شو بدهد که در مدرسه

مورد ایراد واقع نگردد. و این در صورتی است که همان طفل بعد از ظهر چون مدرسه‌ها عموماً بسته است بکلی آزاد و وقت خود را بازی و ورزش میگذرانند. لابد اگر در ایران بود صبح بچها را میگذاشتند بخوابند و بعد از ظهر را وقت مدرسه قرار میدادند در صورتیکه همه کس بزودی میتواند فرق معامله را حس کند که طفلی که از اول عمر عادت بخواب و تنبلی و بطالت کرد بعدها در دوره زندگانی او در میدان کشمکش حیات که در هر قدم با یکدنیا مصائب و سختیها مصادف میشود و عالمی تحمل و قوه معنوی و همت و مردانگی لازم است که در این زدو خوردها بکلی در هم نشکند حال و سرنوشت او از چه قرار خواهد بود. حکیم نکته سنج شیراز شیخ مصلح‌الدین سعدی قریب ششصد و پنجاه سال قبل با اهمیت این مسئله بر خورده بود که فرموده

خواب نوشین بامداد رحیل باز دارد پیاده را ز سبیل  
در سبیل زندگانی ماها همه پیادگانی هستیم که در دنباله کاروان  
حیات و ترقی و کامیابی روانیم اگر از طفولیت عادت خواب  
نوشین را از خود دفع نکنیم در دوره دراز عمر چه نیشهایی که  
نخواهیم خورد و چه تلخیها که از روزگار نخواهیم چشید و  
همچنین است جزئیات دیگر که در طفولیت انسان بآنها اهمیت  
نمیدهد و بعدها در نیکبختی و بدبختی اشخاص و حتی ملتها نفوذ  
و مداخلت تام و تمام حاصل میکند. آلمانها و فرنگیها باین نکته مهم  
حیاتی پی برده و از همان اولین روزیکه طفل قدم بدبستان می  
گذارد مراقبتند که در جاده مطلوب و صحیح بیفتد و چنانکه  
مذکور گردید برای این امر قرار نمره «نظم و ترتیب» را که  
موضوع این سطور است داده اند و مخصوصاً باندازه باین مسئله

اهمیت میدهند که طفل بتدریج حکم ساعتی را پیدا میکند که پس از كوك شدن مدتی بخودی خود کار میکند یعنی این دقت و مواظبت در افعال و اعمال برای او طبیعت ثانوی میشود و بعدها که از مدرسه بیرون آمد و مردی شد بالطبع اطاعت تربیتی را میکند که در طفولیت باو داده اند و مثل اشخاصیکه بوسایل طبیی بخواب مقناطیسی میروند و بدون التفات بعلت و منشأ اعمال خود کورانہ بیک قوه و اراده‌ای که آنها را در دست اطاعت میکنند او نیز در تمام حرکات و سکنات خود بدون اینکه خودش ملتفت باشد فرمانبردار تربیتی است که در بچگی برداشته است و مثلاً چون چندین سال متوالی هر روز چندین بار سر دقیقه و ثانیه به اوطاقهای درس و وعده‌گاههای دیگر حاضر شده اگر ساعت چهار جائی وعده داده باشد چنانکه عادت ماها است ساعت شش حاضر نمیشود، وقتیکه کاغذ بکسی مینویسد نمبر پست را فراموش نمیکند، مکتوب خود را بدون تاریخ مینویسد، وقتیکه بکسی وعده میدهد سر وقت وفا میکند، اگر قرض کرده بموعده میپردازد خلاصه آنکه همه کار خود را از کوچک و بزرگ با رعایت نظم و ترتیب بمتانت و پاکیزگی سر موعده صورت میدهد و کار امروز بفردا نمیگذارد.

ولی آنچه برای اطفال ما فعلاً از چیزهای دیگر بیشتر اهمیت دارد مسئله بیدار شدن صبح زود است که بدبختانه این عادت نیکو نیز با سست شدن عقاید مذهبی که هر مسلمانی صبح قبل از طلوع اقیاب مجبور بود بیدار شده سر و رو را برای وضو بشورد و نماز بگذارد ممکن است بکلی از میان برود در صورتیکه فواید صبح زود از خواب بر خاستن را هر کس میدانند و شکی نیست هر ملتی که افراد آن عادت کرده باشد صبح زود از خوابه

بیدار شود بطور یقین در کار ترقی و پیشرفت از ملل دیگری که از این عادت فرخنده محرومند بتدریج قرن‌ها جلو میافتد و هم‌شکی نیست تا وقتی که پدر و مادر بچه‌های ایرانی ما خودشان زمستان‌را اصلاً از زیر کرسی در نیامده و تابستان نیز فقط از شدت حرارت آفتاب سر از زیر لحاف بیرون کشیده باز فوراً بستر را از بام یکسره بزیر زمین خنک نقل میدهند سرمشق خوبی برای فرزندان خود نخواهند شد و فقط مداخله مستقیم دولت لازم است که اطفال و جوانان ما را از بلیه پر خوابی که بعقیده این بنده نتایج وخیم آن کمتر از نتایج طاعون و وبا نیست محفوظ بدارد. در خاطر دارم در کتاب موسوم به «مسافرت دور اوطاقم» که از شاهکار های یکی از نویسندگان فرانسوی مشهور قرون گذشته (۲) است خطاب به رختخواب خود میگوید:

«ای بستر تو بهترین یار دلداری چه اولاد بشر در مدت نصف عمر خود که تو او را در آغوش گرم و نرم خود میگیری غم و غصه نصف دیگر عمر را فراموش میکند.» از همان وقت دیدم این عبارت با اینهمه لطافت و معنی در باره ما ایرانیان موضوعی ندارد چه بدون اغراق میتوان گفت يك قسمت عمده ملت ایران شاید بیشتر از دو ثلث زندگانی خود را در رختخواب میگذرانند. ولی از مطلب دور افتادیم. مقصود این بود که وزارت معارف ایران هم خوب است وقت و ساعت مدرسه را طوری ترتیب بدهد که بچه ایرانی از همان طفولیت عادت بکند صبح زود بیدار بشود و مخصوصاً مدیران و ناظمین مدارس باید سخت مراقب باشند که شاگرد و لو نیم دقیقه هم باشد دیرتر از موعد وارد مدرسه و اوطاق درس نشود. و همینطور در خصوص مراقبت

و خرده‌گیری در باره لباس و پاکیزگی سر و صورت و جزئیات دیگر از هر نوع و هر قبیله باید مواظبت کامل داشته باشند. و بشاگرد بفهمانند که اهمیت نمره که برای نظم و ترتیب (یا نظام یا هر لفظ دیگری که وزارت علوم قبول نماید) داده میشود بیشتر از نمرهای دیگر از قبیل درس و اخلاق و کوشش است. ولی بدیهی است این در صورتی است که خود معلمین و اولیاء مدارس هم کما هو حقّه مراعات نظام و ترتیب را بکنند و الا اگر مانند بعضی معلمین فاضل و مشهور مدارس درجه اول پایتخت عموماً یکربیع الی بیست دقیقه پس از موعد با پای بی جوراب و سینه باز و ریش ناشسته یا تراشیده با عمامه ژولیده یا کلاه ماهوت پاک‌کن ندیده سیگار کشان وارد اوطاق درس بشوند و چون دستمال خود را فراموش کرده اند هر چند دقیقه بچند دقیقه برای گرفتن دماغ و دفع اخلاط سینه مجبور باشند از کرسی تدریس پائین آمده و از اوطاق خارج شوند و وقتی هم بنای تدریس میشود معلوم گردد دفتر درس را در واگون یا در دکان چلو کبابی فراموش کرده اند بدیهی است در اینصورت تمام حرفهای من و هزار چون منی و مساعی وزارت علوم حکم باغربال آب کشیدن را خواهد داشت و لهذا بر اولیای وزارت علوم فرض است که با اهمیت این موضوع توجه مخصوص فرموده در مورد انتخاب معلمین و ناظم و مدیران مدارس چه در طهران و چه در ایالات دیگر قوانین و مقررات دقیق آورده و در اجرای آنها مراقبت مخصوص داشته باشد. این نکات بنظر جزئی و غیر مهم میآید. ولی ادنی شکی نیست که همین جزئیات است که افراد يك ملتی را قوی و با اخلاق میکند و برای کشت و کار سر زمین تمدن کارکنان با اراده و دقیق و با قول تربیت و تهیه میکند و بنده نگارنده نیز بهمین

امید و آرزو بتقدیم این پیشنهاد ساده جسارت ورزید که شاید در اجرای آن کم‌کم اثراتی در اخلاق این ملت که يك قسمت عمدهٔ افراد آن عمر را بدرویشی و شیدائی ولا ابالیگری و قلاشی میگذرانند و اسم تنبلی را غنای طبع و نام بطالت و مسامحه را منانت و وقار گذاشته حاصل شود که هیچ ایرانی ایران دوستی جز این آرزو ندارد.

برلین — سید محمد علی جمال‌زاده

## مردان نامور

### ولتر

بقیه از شماره ۱-۲

#### ۲- اوضاع فرانسه در عهد ولتر

برویر (۱) فیلسوف فرانسوی که در قرن هفدهم میزیسته در فصل چهاردهم از کتاب خودش موسوم به «طبایع یا سلیقه‌ها» (۲) مینویسد: «وظیفهٔ قضاة این است که بطور عدالت قضاوت کنند و شغل خود را غربال نمایند» یعنی آنچه را که نشانهٔ ظلم است از دست داده و آنچه را که سبب نجات ملت است باقی گذارند.



در حقیقت، وکلای عدلیهٔ آن‌عهد جز منفعت شخصی و رشوه خواری کار دیگری نداشتند، بیچاره دهاقین و زارعین و رنجبران را توقیف میکردند و باین بهانه که احمد دزدی کرده و حسن حمل سلاح نموده این بیچارگان بی‌گناه را محبوس نگاه میداشتند تا